

امکان سنجی فقهی

ماهیت قرارداد سی اف دی کالا*

- زهرا سهراب‌بیگ^۱
- سعید خردمندی^۲

چکیده

رشد و گسترش جوامع و افزایش نیازهای بشر به همراه پیشرفت ارتباطات، منجر به پیدایش شکل خاصی از فعالیت‌های تجاری و بازرگانی شده که محدودیت‌های گذشته را نداشته باشد و با کمترین سرمایه از هر نقطه جهان، امکان دستیابی به بیشترین سود را فراهم کند. سی اف دی یا قرارداد مابه‌التفاوت، معامله بر روی نوسان ارزش دارایی بدون انتقال دارایی پایه است. این دارایی پایه می‌تواند کالا، سهام، شاخص سهام، ارز و اوراق قرضه باشد. یکی از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین این معاملات، سی اف دی بر روی کالاهایی از قبیل طلا، نقره، نفت، گاز و... است. بدیهی است چنین تجارت جدیدی که تا کنون مورد هیچ بررسی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (zahra.sohrabbeig@yahoo.com).

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) (Saeid.kheradmandy@iauksh.ac.ir).

حقوقی و فقهی قرار نگرفته است، شبهاتی مانند ربا، قمار و جهل، و اشکالات حقوقی مانند ابهام در ماهیت و نوع عقد در پی خواهد داشت؛ به ویژه آنکه نظام حقوقی ما بر اساس فقه امامیه تدوین شده است.

در این پژوهش، ابتدا وضعیت قرارداد مابه‌التفاوت بر روی کالا بررسی، و اشکالات و ابهامات آن بیان شده است. سپس قالب حقوقی متناسب و راهکارهایی برای رفع ایرادات حقوقی و شرعی ارائه گردیده است. با توجه به مشی قانون مدنی و امکانی که شارع مقدس در خصوص اصل آزادی قراردادها در اختیار قرار داده، اگر ماهیت این قراردادها را در قالب عقد صلح تفسیر نماییم، نه تنها مشکل عدم تطابق با عقود معین حل می‌شود، بلکه شبهات شرعی مذکور نیز از اساس وارد نخواهند بود.

واژگان کلیدی: قرارداد مابه‌التفاوت، سی‌اف‌دی، ابزار مشتقه، سی‌اف‌دی کالا، اجاره، جعاله، عقد صلح.

۱. مقدمه

با رشد فناوری و گسترش استفاده از اینترنت در تمام ابعاد زندگی انسان از جمله فعالیت‌های اقتصادی، معاملات بورسی هم از نظر میزان و هم تنوع گسترش بسیاری یافته است. انسان در هر جای دنیا با استفاده از اینترنت و دسترسی به یک برنامه کاربردی در رایانه یا تلفن همراه خود، امکان سفارش یک کالا و خرید و فروش آن را می‌یابد. در حالی که در تمام معاملات، انسان به میزان سرمایه خود می‌تواند خرید و فروش انجام داده و به همان میزان، به سود و زیان دست یابد، رفته رفته این ایده در ذهن بشر رسوخ کرد که برای افرادی نیز که دارای دانش کافی در زمینه بازار و نوسانات آن هستند، اما سرمایه کافی ندارند، امکان تجارت در ابعادی بسیار بزرگ‌تر از میزان سرمایه‌شان فراهم شود و سرمایه اولی نتواند عامل محدودکننده حضور افراد از یک سو و میزان سود از سوی دیگر باشد. بنابراین شکلی از معاملات ایجاد شد که در آن دارایی پایه به طرف دیگر انتقال پیدا نمی‌کند؛ در حالی که از نظر میزان سود و زبانی که از نوسان و کاهش ارزش دارایی پایه عاید طرفین می‌شود، درست مثل این است که آن دارایی منتقل شده است. دارایی پایه این معاملات می‌تواند کالا، ارز، انرژی، سهام و حتی شاخص سهام

باشد. تاریخ شروع این معاملات به سال ۱۹۹۰ برمی‌گردد. سی.اف.دی‌ها توسط یک شرکت کارگزاری در لندن به نام «اسمیت نیوکورت» که بعدها مریل لینچ آن را خریداری کرد، به وجود آمد. «برایان کیلن» و «جو وود» نقش مهمی در ابداع سی‌اف‌دی‌ها داشتند. از سال ۲۰۰۲ اکثر کشورها درهای خود را به روی این ابزار جدید مالی باز کردند (Elder, 2014: 149).

در این زمینه، هیچ پژوهش حقوقی به زبان فارسی یا غیر آن در دسترس نمی‌باشد. آنچه موجود است، تعداد کمی کتاب‌های انگلیسی است که از منظر علوم مالی و بازرگانی به معاملات سی‌اف‌دی به عنوان یک تجارت^۲ پرداخته‌اند (Norman, 2010: 265; Jessen & Cartridge, 2011: 245). در آثار نویسندگان و محققان فارسی‌زبان، بررسی‌های حقوقی درباره قرارداد آتی و ابزار مشتقه انجام شده است. برخی از آنان ابزار مشتقه را زیرمجموعه قرارداد آتی دانسته (حسین‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۳) و برخی برعکس، قرارداد آتی را زیرمجموعه ابزارهای مشتقه (معصومی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۴) پنداشته‌اند. این در حالی است که قرارداد مابه‌التفاوت، اگرچه یک ابزار مشتقه به معنای آن معامله‌ای است که ارزش خود را از دارایی پایه می‌گیرد و قراردادی مربوط به آینده (تاریخ بسته شدن معامله) است، اما با تمام ابزارهای مشتقه دیگر و قراردادهای آتی متفاوت بوده و در هیچ یک از این آثار به آن پرداخته نشده است. معاملات سی‌اف‌دی یا قرارداد مابه‌التفاوت به طور کلی و به تبع آن سی‌اف‌دی روی کالا علی‌رغم امتیازات فراوانی که دارد، همچنان در کشور ما ناشناخته مانده و نتوانسته جایگاه مناسبی در معاملات افراد مختلف خصوصاً جوانان داشته باشد. این در حالی است که با توجه به کاهش ارزش ریال و بیکاری جوانان تحصیل کرده در دوره حاضر، داشتن یک درآمد دلاری برای هر فرد می‌تواند امتیاز بزرگی محسوب شده و سهم بسیاری در تأمین معاش خانواده‌ها داشته باشد. زنان خانه‌دار و هر فردی که امکان حضور در شغل یا بازار خاصی را ندارد، می‌توانند با هر میزان سرمایه در خانه به این تجارت دست بزنند. قرارداد سی‌اف‌دی به طور کلی، معامله بر روی نوسان ارزش دارایی بدون انتقال

1. CFD (Contract For Difference).

2. Trade.

دارایی پایه است که این دارایی پایه می‌تواند کالا به معنای عین مادی قابل خرید و فروش، ارز، اوراق قرضه، سهام شرکت‌ها و یا حتی شاخص سهام باشد. از آنجا که سی‌اف‌دی یک ابزار مشتقه است و ابزارهای مشتقه، ارزش خود را از دارایی پایه می‌گیرند، در هر یک از این صور به تبعیت از دارایی پایه، معامله ویژگی‌های خاصی می‌یابد؛ در عین حال که همه آن‌ها از نظر شکلی شرایط یکسان دارند. در تمام این معاملات، انتقال مادی اتفاق نمی‌افتد و یک ابزار فرعی مانند اهرم یا لوریج امکان افزایش یا کاهش ضریب سود و زیان را فراهم می‌کند. آغاز معامله با پرداخت درصد کمی از موضوع که حاشیه نام دارد، اتفاق می‌افتد و استفاده از امکان تحدید ضرر نیز از ویژگی‌های دیگر این قرارداد است. بنابراین مسلماً تبیین شرایط صحت قرارداد سی‌اف‌دی کالا و انطباق آن با موازین شرعی، کاری جدید و نیازمند تحقیق بسیار است. اینکه قرارداد سی‌اف‌دی معامله بر روی اضافه ارزش و نوسان قیمت یک کالا مانند طلا، نفت، آهن و... است، بدون آنکه آن دارایی پایه منتقل شود، بررسی مشروعیت معاملات سی‌اف‌دی روی کالا و شناخت قالب حقوقی سازگار با آن، موضوع اصلی پژوهش حاضر است که می‌کوشد وضعیت این قرارداد و ایرادات و اشکالات وارده را با ارائه راهکارهای مستدل و مستند حقوقی و شرعی پاسخ دهد.

۲. کلیات

۱-۲. معنای قرارداد سی‌اف‌دی

سی‌اف‌دی به معنای قرارداد مابه‌التفاوت یا تعهد برای باقی مانده یک محصول مشتقه مالی^۱ است. بر حسب تعریف معاملاتی، سی‌اف‌دی یک قرارداد بین دو نفر یعنی یک خریدار و فروشنده است. اگر قیمت بسته شدن این دارایی، از قیمت باز شدن آن بیشتر باشد، پول از حساب فروشنده به حساب خریدار می‌رود و اگر کمتر از قیمت باز شدن آن باشد، پول از حساب خریدار به حساب فروشنده می‌رود (سرمدی، ۱۳۸۷:

۱. ابزار مشتقه (Derivative Contract) در مباحث مالی، ابزاری است که ساختار پرداخت و ارزش آن، از ارزش دارایی پایه و شاخص‌های مربوطه نشئت می‌گیرد. این ابزار به دارنده آن، اختیار یا تعهد خرید و یا فروش یک دارایی معین را می‌دهد و ارزش آن از ارزش دارایی مربوطه مشتق می‌شود (سرمدی، ۱۳۸۷: ۱۱/۱).

۳۴/۱). به عبارت واضح‌تر، در صورتی که رشد قیمت داشته باشیم، فروشنده ضرر و خریدار سود خواهد کرد و با کاهش قیمت، خریدار ضرر و فروشنده سود می‌کند. شکل این معاملات از این نظر که هیچ نقل و انتقال فیزیکی و مادی اتفاق نمی‌افتد، شبیه به معامله سهام است؛ با این تفاوت که در سی‌اف‌دی، معامله‌گر مالک سهام مورد نظر نیست. اما از نظر فنی به این دلیل که معامله در دو جهت صورت می‌گیرد، شبیه به فارکس^۱ است؛ یعنی در هنگام فروش، انتظار کاهش قیمت و خرید در قیمت پایین‌تر و در هنگام خرید، انتظار افزایش قیمت و فروش در قیمت بالاتر وجود دارد. فرض کنید که قیمت اولیه سهام اپل^۲ برابر با ۱۰۰ دلار است. شما تصمیم می‌گیرید که به ازای ۱۰۰۰ سهم اپل، یک قرارداد سی‌اف‌دی بخرید. اگر پس از آن، قیمت تا ۱۰۵ دلار بالا رود، جمع تفاوت که باید توسط فروشنده به خریدار پرداخت شود، برابر با ۵۰۰۰ دلار می‌شود و برعکس، اگر قیمت هر سهم به ۹۵ دلار کاهش پیدا کند، فروشنده ۵۰۰۰ دلار از خریدار دریافت خواهد کرد. این قرارداد شامل خرید/فروش دارایی‌های اصلی و تملک فیزیکی نمی‌شود و به این ترتیب سرمایه‌گذاران می‌توانند از ثبت حقوق مالکیت برای دارایی‌ها و هزینه‌های تراکنش مرتبط دوری کنند.

۲-۲. معنای اصطلاحات مربوط به سی‌اف‌دی

۱-۲-۲. دارایی پایه

دارایی پایه هر چیزی است که در معامله ما منبع و منشأ افزایش و کاهش ارزش است و نوسان قیمت بر روی آن اتفاق می‌افتد، بدون آنکه خود آن موضوع معامله باشد که می‌تواند سهام یا شاخص سهام و یا خود کالا باشد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۵). برای مثال، در یک معامله سی‌اف‌دی بر روی مقداری طلا، موضوع معامله ما، افزایش و کاهش قیمت مقدار خاصی از طلاست. در این حالت، این مقدار طلا دارایی پایه

۱. فارکس (FOREX) اصطلاحی برگرفته از دو کلمه "Foreign Exchange" است که به معنای تبادل پول خارجی است. به پول خارجی در زبان فارسی ارز گفته می‌شود. بنابراین FOREX را می‌توان «دادوستد ارز» نامید. در این معاملات، امکان سود در کاهش و افزایش قیمت وجود دارد؛ یعنی معامله همزمان بر روی فروش یک ارز و خرید ارز دیگر (سرمدی، ۱۳۸۷: ۹۵/۱).

2. Apple.

ماست، اما موضوع معامله نیست.

۲-۲-۲. اهرم

اهرم یا لوریج^۱ توانایی کنترل یک چیز بزرگ توسط یک چیز کوچک است. به عبارت دیگر، شما می‌توانید با داشتن سرمایه‌ای اندک در حساب خود، مقدار بسیار زیادتری را در بازار کنترل کنید (Norman, 2010: 10). مقدار استاندارد اهرم ارائه شده در یک حساب سی‌اف‌دی معمولاً برابر است با ۱:۱۰۰؛ یعنی به ازای هر ۱ دلار می‌توانید به ارزش ۱۰۰ دلار معامله کنید. به همین ترتیب، با ۱۰۰۰ دلار سپرده می‌توانید به ارزش ۱۰۰۰۰۰ دلار معامله کنید. با استفاده از اهرم می‌توانید تنها با سرمایه‌ای اندک، مقدار قابل توجهی پول به دست آورده و یا مقدار قابل توجهی از پول خود را از دست بدهید که این به چگونگی استفاده شما از اهرم و مدیریت ریسک بستگی دارد.

۲-۲-۳. حاشیه

حاشیه یا مارجین^۲ مقداری از پول است که در یک پوزیشن یا معامله، شرکت می‌کند. اینکه گفته می‌شود معاملات سی‌اف‌دی مارجینی هستند، به این معناست که نیازی نیست با سرمایه‌ای معادل کل مبلغ موضوع معامله وارد آن شویم، بلکه با پرداخت بخشی از آن، امکان انجام معامله را به دست می‌آوریم. این مبلغ بر اساس اهرم حساب می‌شود؛ یعنی اگر اهرم ۱:۱۰۰ باشد، مقدار پولی که باید برای شروع معامله پرداخته شود، یک صدم مبلغ معامله خواهد بود (Jessen & Cartridge, 2011: 95).

۲-۳. ارکان

بنا بر آنچه گذشت، از آنجا که سی‌اف‌دی با اراده دو طرف واقع می‌شود، عقد است؛ پس مانند سایر عقود باید شرایط اساسی صحت معاملات را دارا باشد. علاوه بر آن، ارکان یک عقد هم در آن متصور است. اما اینکه با توجه به ویژگی‌های خاص سی‌اف‌دی، این ارکان چگونه تبیین می‌شوند، به تفصیل بیان می‌گردد.

1. Leverage.

2. Margine.

۲-۳-۱. ایجاب و قبول

دارندگان دارایی‌های پایه که قصد فروش سی‌اف‌دی بر روی آن را دارند، با انجام عملیات مربوطه روی پلتفرم معاملاتی، آن‌ها را به همراه قیمتشان برای فروش می‌گذارند. در این حالت، خریداران که انواع سی‌اف‌دی را توسط ابزار الکترونیکی خود مشاهده می‌کنند، از طریق باز کردن موقعیت خرید - با کلیک بر روی گزینه Open Position - اقدام به خرید می‌کنند. در این معاملات، مبلغی که برای معامله لازم است باید از قبل در حساب خریدار موجود باشد تا امکان معامله وجود داشته باشد. در این حالت، قبولی اتفاق افتاده و معامله واقع شده است. اما زمانی که همین شخص که سی‌اف‌دی را خریده، این بار برای فروش اقدام کند، باید از طریق باز کردن گزینه فروش اقدام کند. در این حالت، به محض باز کردن یک موقعیت فروش بر روی سی‌اف‌دی فروش اتفاق افتاده و سیستم قیمت‌ها را تا زمان بستن موقعیت محاسبه می‌کند. در واقع، مانند این است که همان لحظه ایجاب قبول شده است. بنابراین تفکیکی میان مرحله ایجاب و وقوع کامل عقد وجود ندارد. دلیل این مسئله آن است که در خرید و فروش موضوع قرارداد مابه‌التفاوت، یک طرف همیشه ثابت است و آن شرکت ارائه‌کننده سی‌اف‌دی بر روی دارایی خود است. بنابراین او دارایی خود را برای فروش سی‌اف‌دی عرضه می‌کند به هر کسی که بخرد؛ در عین حال که از هر کس که بفروشد می‌خرد و تمامی این فرایند سیستمی و خودکار اتفاق می‌افتد.

۲-۳-۲. طرفین سی‌اف‌دی

در یک قرارداد مابه‌التفاوت، یک فروشنده مشخص اضافه ارزش سهام خود را عرضه نمی‌کند تا دیگری آن را بخرد و همان زمان معامله واقع گردد. بلکه بر روی یک پلتفرم^۱ یا نرم‌افزار معاملاتی که به صورت برخط عمل می‌کند، سی‌اف‌دی بر روی دارایی‌هایی مشخص به نمایش درمی‌آید، بی‌آنکه هویت فروشندگان مشخص باشد. آنچه این شکل از خرید و فروش را با خرید و فروش عادی متمایز می‌کند، دو چیز است:

۱. Platform در لغت به معنای سکوست؛ اما در اصطلاح به معنای یک محل یا سکوی مجازی برای عرضه و تقاضاست.

۱- واقع شدن در بستری از زمان، و این بستر است که نتیجه نهایی عقد را مشخص می‌سازد.

۲- در این قبیل معاملات بر خلاف آنچه تصور می‌شود، اشخاص با هم معامله نکرده و مقابل هم قرار نمی‌گیرند؛ بلکه هم خریدار و هم فروشنده، با دارنده دارایی پایه معامله می‌کنند که غالباً شرکت‌های بزرگ هستند.

۲-۳-۳. وجود یک مال برای فروش (معوض)

آنچه برای فروش گذاشته می‌شود، نوسان ارزش دارایی پایه است که تابع تغییر قیمت واقعی آن می‌باشد. واضح است که افزایش و کاهش قیمت دارای ارزش مالی بوده و همین ریسک است که بین طرفین مبادله می‌شود.

۲-۳-۴. عوض

عوض در قرارداد مابه‌التفاوت از همان ابتدا به عنوان ودیعه در حساب خریدار و فروشنده موجود می‌باشد و بعد از محاسبه هزینه‌ها از مبلغ ودیعه به حساب طرف دیگر پرداخت می‌گردد. از آنجا که فقط سود و زیان از حساب‌ها کسر می‌شود و غیر از آن‌ها چیزی رد و بدل نمی‌شود، می‌توان گفت که مستقیماً نتیجه یک معامله اعمال می‌شود. در قرارداد مابه‌التفاوت محدودیتی از جهت باز و بسته نگه داشتن معامله نیست (Land, 2017: 214). بنابراین در زمان بستن یک معامله، اختلاف قیمت آن روز در تعداد سهام ضرب می‌شود تا هزینه آن پوزیشن به دست آید. سپس اختلاف آن با هزینه پوزیشن روز باز کردن معامله حساب می‌شود. این نتیجه تعیین‌کننده میزان سود یا زیان معامله‌کنندگان است که پس از کسر کارمزد که هزینه کارگزاری است و هزینه نگهداری آن معامله، به حساب معامله‌کننده واریز یا از آن کسر می‌شود.

۲-۳-۵. کارگزار

در یک معامله سی‌اف‌دی، اگرچه کارگزار هیچ یک از اطراف عقد واقع نمی‌شود، اما از ملزومات انجام آن است. کارگزار یا بروکر شخص یا شرکتی است که در قبال دریافت مبلغی کارمزد یا حق‌العامل، واسطه خریداران و فروشندگان می‌شود و چنان که

گفته شد، این واسطه‌گری و نظارت را از طریق یک پلتفرم معاملاتی انجام می‌دهد. کارگزارها اغلب خدماتی از قبیل مشاوره و پشتیبانی هم ارائه می‌کنند. بنابراین در هر معامله حتماً یک هزینه کارگزاری لحاظ می‌شود (Davey, 2006: 324).

۳. ماهیت

در معامله سی‌اف‌دی بر روی کالاهاى مادى مانند طلا، نقره، مس و... نوسان قیمت آن کالا موضوع معامله می‌باشد؛ گویی آن دارایی متعلق به معامله‌کننده سی‌اف‌دی است، بی‌آنکه آن را خریداری کرده باشد. اینکه واقعاً در چنین معامله‌ای چه چیزی واقع می‌شود و چه چیزی موضوع مبادله است، بسیار پیچیده به نظر می‌رسد؛ به ویژه آنکه قانون مدنی ما به تبعیت از فقه امامیه و دین مبین اسلام، برای هر یک از شقوق دادوستد و معاملات، احکام خاصی وضع کرده است. بنابراین شناخت نحوه انعقاد این قرارداد و ارکان آن، همچنین قالب حقوقی شرعی و متناسب کاملاً ضروری است.

۱-۳. بیع حق

در تعریف بیع چنین آمده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم» (ماده ۳۳۸ ق.م.ا.). چنان که ملاحظه می‌شود، قانون مدنی تأکید ویژه‌ای بر عین بودن موضوع بیع داشته است. این در حالی است که در نصوص، تعریف دقیقی از عقد بیع نشده و تشخیص مصادیق به عرف واگذار شده است (طباطبایی یزدی، بی‌تا: ۵۸). واضح است که قرارداد مابه‌التفاوت، موضوع تعریف قانون مدنی قرار نمی‌گیرد. اما آیا اگر عنوان بیع را دارای مفهومی گسترده‌تر بدانیم، می‌تواند مشمول آن قرار گیرد یا نه؟ پاسخ این سؤال به این بحث برمی‌گردد که عناوین عقود و معاملات توقیفی هستند یا غیر توقیفی؛ به این معنا که آیا شارع مقدس هر یک از عناوین را برای شرایط و اوصاف خاصی قرار داده است و غیر از عقود که تشریح نموده، سایر عقود را به رسمیت نشناخته است یا صرفاً آنچه را که در عرف و در میان عامه مردم رایج بوده، امضا نموده است و هر آنچه را که میان مردم انجام شود و پاسخ‌گوی نیازهای آن‌ها باشد، مشروط بر اینکه دارای مانع شرعی نباشد، پذیرفته است؟

از دیرباز این مسئله میان فقیهان مطرح بوده است که آیا عناوین عقود و معاملات توقیفی است، یعنی منحصر در عقود شناخته شده از لسان شرع است، و یا عموماً و اطلاقات اعتبار عقود همچون آیه کریمه ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾، شامل هر عقد عرفی و عقلایی می‌شود، حتی اگر آن عقد در زمان صدور و ابلاغ شریعت، سابقه‌ای نداشته باشد؟ (علامه حلی، ۱۴۱۳ ب: ۸۰/۶). اما تردیدهایی از زمان محقق اردبیلی شکل می‌گیرد و ایشان و محقق سبزواری امکان تمسک به عموماً ادله صحت عقود را برای مشروعیت دادن به این عقد جدید مطرح می‌سازند (اردبیلی، بی‌تا: ۴۳۲/۱؛ سبزواری، بی‌تا: ۶۰۷/۱). فقهای همچون سید یزدی و حکیم نیز همین راه را می‌پیمایند و تمسک به عموماً ادله عقود را برای صحت قراردادهای جدیدی همچون مغارسه ممکن می‌شمارند (حکیم، ۱۴۰۸: ۴۲۰/۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰: ۳۵۴/۵).

بیشتر مراجع معاصر نیز در پاسخ به استفتای سال ۱۳۸۲ در خصوص بیع زمانی، انعقاد این قرارداد را در قالب عقدی مستقل و جدید مشروع و جایز شمرده‌اند. ماده ۱۰ قانون مدنی نیز از همین پیشینه و استدلال تبعیت کرده است. فقهای متقدم و حقوق دانان ما به سمت اصل آزادی قراردادها متمایل شده و بر این عقیده‌اند که در عقود معین، هیچ حقیقت شرعی بیان نشده و همگی حقایق عرفی هستند (شریعتی، ۱۳۸۶: ۱۳). در خصوص عقد بیع نیز به تبع اختلاف نظر پیش گفته، رویکردهای اختلافی به وجود آمده است. عده‌ای بیع را تنها دال بر تملیک عین می‌دانند و دلیل خود را تبادر و فهم عرفی می‌دانند؛ با این بیان که عرف از لفظ بیع، انتقال عین را استنباط می‌کند و استعمال مجازی آن درست نمی‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

آنچه دلیل عمده استدلال این گروه از فقها قرار گرفته است، فهم آن‌ها از استعمال عرفی تملیک عین در بیع است. این در حالی است که به عقیده ما چنین نیست و عرف دادوستد غیر از عین را نیز بیع تلقی می‌کند و آن را به عنوان حقیقت به کار می‌برد نه مجاز. حتی اگر به دلیل آنکه تملیک منفعت، تحت عنوان اجاره و عقد معین دیگری شناخته شده است، استعمال بیع را در حالت انتقال منفعت مجاز بدانیم، در خصوص انتقال حق شکی نداریم که آنچه عرف استعمال می‌کند، معنای حقیقی بیع است؛ مانند خرید یا فروش حق سرقفلی و حق تألیف و... ممکن است گفته شود که عرف

مدنظر شارع مقدس، عرف زمان تشریح (عرف شارع) بوده نه عرف متشرعه. در پاسخ باید گفت که در خصوص تغییر مصادیق الفاظ در بستر زمان، علامه طباطبایی خصوصیات مصادیق را از موضوع له خارج می‌داند و معتقد است که با وجود تغییرات ویژگی‌های مصادیق آن موضوع، اغراض و غایات همواره باقی خواهند ماند و همین قابلیت باعث می‌شود که بتوان الفاظی را که در ابتدا برای مصادیق مادی و ملموس به کار رفته‌اند، برای مصادیق معقول به کار برد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۰/۱). از سوی دیگر، روایاتی در فقه داریم که بیع در غیر از مورد تملیک عین به کار رفته است؛ مانند مثال مردی که از گذشته در خانه‌ای ساکن بوده و از پدرانش به او رسیده است و نمی‌داند که از آغاز متعلق به چه کسی بوده است. بنابراین از امام موسی بن جعفر علیه السلام در خصوص حق فروش منفعت آن سؤال می‌کند و سه بار سؤال خود را تکرار می‌کند که حضرت در پاسخ، لفظ بیع را به کار برده و به جواز بیع منفعت خانه نظر می‌دهد. بنابراین حمل کلام ایشان بر مجاز، آن هم بدون دلیل صحیح نمی‌باشد (طوسی، ۱۳۷۶: ۱۵۵/۷). همچنین فقهای نیز هستند که انتقال حقوق و منافع را تحت عنوان بیع صحیح می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۱۷/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۳: کتاب البیع/۱۵).

شایان ذکر است زمانی که ما می‌خواهیم بدین طریق بر جواز بیع حق حکم دهیم، حتماً باید به دو مسئله یقین داشته باشیم:

الف) وجود حق و وجود موضوع حق: اگر وجود حق یا موضوع حق مشکوک باشد، نمی‌توانیم با استدلال به جواز استعمال بیع در تملیک حق و فهم عرفی استناد نماییم؛ چون سالبه به انتفاء موضوع بوده و از اساس بحث آن منتفی است.

ب) فهم عرفی: بدین معنا که اگر شک داشتیم که عرف این موضوع را بیع و خرید و فروش می‌داند یا نه، نمی‌توانیم به خود متعلق شک استناد کنیم؛ زیرا در این حالت، دلیل ما عین مدعاست و قابل اعتنا نمی‌باشد.

بنابراین تنها در حالتی که موضوع حق و وجود حق محرز بوده و یقین داریم که عرف از این معامله بیع حق استنباط می‌کند و تنها در مشروعیت آن شک داریم، به کمک استدلال پیش‌گفته آن را جایز می‌دانیم. در یک معامله سی‌اف‌دی یا قرارداد مابه‌التفاوت، دارایی پایه که موضوع حق است وجود دارد و از سوی مالک دارایی پایه،

چنین حقی در معرض فروش قرار داده شده است و می‌دانیم که همین استعمال لفظ «خرید» و «فروش» نشان‌دهنده استعمال عرفی آن در معنای بیع است. بنابراین دو شرط مورد نیاز وجود دارد و می‌توانیم به صحت خرید و فروش این حق یعنی حق مالکیت بر افزایش یا کاهش قیمت آن حکم دهیم. در حالتی که ما یک موقعیت خرید سی‌اف‌دی باز می‌کنیم، تمام این استدلال‌ها درست هستند و نتیجه مورد نظر به دست می‌آید؛ اما در حالتی که ابتدائاً توسط معامله‌گر یک موقعیت فروش بر روی دارایی پایه‌ای که قبلاً بر روی آن خرید انجام نشد، باز می‌شود، نمی‌توان باز هم بر صحت فروش حق رأی داد؛ زیرا اگرچه این حق توسط مالک آن برای چنین معامله‌ای آماده شده، اما چگونه به معامله‌گر داده شده است که اکنون موضوع فروش قرار گرفته است. به عبارت دیگر، آنچه مشکوک است، خود وجود حق است نه مشروعیت استعمال عرفی بیع. پس به ناچار باید در جستجوی عنوانی باشیم که خلأ مذکور را پوشش دهد. پاسخ این مسئله به منشأ این قرارداد برمی‌گردد که آیا منشأ یک حق، قائم به شخص است و با اختیار و رضایت مالک چنین امکانی به وجود می‌آید، بنابراین بر صحت انتقال این حق نمی‌توان تردید کرد، یا یک حق قائم به عین دارایی پایه است و جدای از آن وجود و ماهیتی ندارد؟ به نظر می‌رسد چون قرارداد مابه‌التفاوت، یک ابزار مشتقه است و وجود آن از وجود دارایی پایه مشتق می‌شود، بنابراین انتقال آن طبق استدلال مذکور در باب بیع حق ممکن نیست.

۲-۳. اجاره

در یک معامله سی‌اف‌دی کالا یا قرارداد مابه‌التفاوت روی کالا، ما یک دارایی پایه به عنوان عین خارجی داریم و یک نوسان ارزش و قیمت آن دارایی که جدای از عین معامله می‌شود. اما این نوسان ارزش دارایی ذاتاً و ماهیتاً چه چیزی است و چگونه مستقل از عین خارجی دارای چنین قابلیت می‌گردد. اگر این امر را استفاده و منفعت آن کالا بدانیم که جدای از عین موجودیت می‌یابد و معامله می‌شود، می‌توانیم بگوییم که در این معامله، دارایی پایه در اختیار صاحبش بوده و تنها از حیث بهره‌برداری از نوسان ارزش، به معامله‌گر برای مدتی اجاره داده می‌شود. مقدار پولی که از افزایش

ارزش آن کالا ناشی می‌شود، چیزی جدای از عین آن کالا است و چون در زمانی به وجود می‌آید که منفعت به تملیک معامل در آمده است، به او تعلق دارد. همچنین در معاملات بعدی، به دلیل آنکه مالکیت منفعت منتقل شده، حق واگذاری آن منفعت برای مستأجر وجود دارد. بنابراین اشکال ذهنی مربوط به جدایی مالکیت نوسان ارزش کالا و عین کالا رفع می‌شود و عرف هم می‌تواند از این خرید و فروش، واگذاری منفعت خاص کالا را برداشت نماید. اما هنوز اشکالاتی به ذهن می‌رسد:

اشکال اول: در تعریف اجاره آمده است:

«اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر، مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره‌دهنده را موجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره می‌گویند» (ماده ۴۶۶ ق.م.ا).

بنا بر آنچه در فرض صحت عنوان بیع حق گفته شد، در فرض باز کردن ابتدایی موقعیت فروش، مالکیت منفعت هنوز به مستأجر منتقل نشده تا بتواند برای اجاره ثانوی اقدام کند. بنابراین اگرچه اجاره اولیه آن فاقد اشکال به نظر می‌رسد، اما اجاره ثانوی آن درست نیست.

اشکال دوم: چنان که می‌دانیم، در عقد اجاره اعیان، مدت باید مشخص باشد؛ در غیر این صورت باطل است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۱۰/۱). این در حالی است که در یک سی‌اف‌دی ممکن است تاریخ انقضا وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد؛ اگر وجود داشته باشد، تاریخ انقضا با علامت اختصاری در کنار سی‌اف‌دی کالای ارائه‌شده مشخص می‌باشد، در غیر این صورت نامحدود است و تا زمان وجود دارایی پایه، امکان معامله آن وجود دارد.

اشکال سوم: صرف نظر از اشکال اول و دوم، اگر نوسان ارزش یک کالا را منفعت در نظر بگیریم، در حالت افزایش ارزش که مبلغی پول بر اصل کالا اضافه می‌شود و در واقع منفعت آن، خود یک عین خارجی است، به اختلاف نظر فقها در باب مالکیت آن عین خارجی برمی‌خوریم. مشهور فقها معتقد به عدم جواز هستند و دلایل انتقال ملکیت منافع در اجاره را شامل این قبیل منافع نمی‌دانند، مگر با دلیل خاص تجویز شده باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳ الف: ۲۹۵/۲). محقق اصفهانی نیز منافی را که دارای حیثیت

استیفایی نباشند - یعنی عین بالقوه دارای قابلیت دارا شدن آن منفعت باشد و منفعت مورد نظر بدون هیچ دخالت و عملی از سوی مستأجر بنا بر سیر طبیعی و وجودی خود حادث می‌شود. متعلق به مالک عین می‌داند (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹: ۱/۱۴۰).

اشکال چهارم: اگر نوسان ارزش کالا را منفعت در نظر بگیریم، در حالت کاهش ارزش کالا دچار اشکال می‌شویم؛ زیرا منفعت اصولاً جنبه مثبت یک دارایی و استفاده‌ای مازاد بر عین و وجود ذاتی کالا است و نقصان در کالا منفعت حساب نمی‌شود. به عبارت دیگر، در معامله سی‌اف‌دی خصوصاً در موردی که فروش به امید کاهش قیمت و دوباره خریدن اتفاق می‌افتد، منفعت و عین با یکدیگر خلط شده و امکان تفکیک آن‌ها از یکدیگر وجود ندارد. کاهش ارزش در خود دارایی وجود دارد و این عین است که با اوصاف خود موضوع قرار می‌گیرد، گویی این کالا و عین خرید و فروش می‌گردد، اما تنها به دلیل بهره بردن از نوسان قیمتش، نه آنکه واقعاً آن کالا تحت سلطه مادی شخصی غیر از مالک قرار گیرد. چنین فروشی اعتباری است و به تملیک واقعی نمی‌انجامد.

۳-۳. جعاله

قانون مدنی ایران جعاله را چنین تعریف می‌کند:

«جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم، در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین» (ماده ۵۶۱ ق.م.م.).

می‌توان قرارداد سی‌اف‌دی را این طور بر جعاله منطبق کرد که گویی صاحب دارایی پایه، یک ایجاب عام انجام داده است نسبت به هر کسی که سود یا زیان ناشی از افزایش یا کاهش ارزش آن دارایی را بر عهده بگیرد. به این ترتیب اگر سود برد، سود برای اوست و اگر ضرر کرد، بر عهده خود عامل باشد. در واقع عمل، دریافت و خرید ریسک معامله است و اجرت عبارت است از امکان بهره‌برداری از قیمت دارایی پایه و سود ناشی از آن. جاعل می‌گوید من امکان سود بردن از این میزان دارایی خود - مثلاً سی سهم شرکت - را به هر کسی که ریسک آن را به مبلغ هر سهم صد دلار بخرد، واگذار می‌کنم. در اینجا چند شباهت این نظر را تقویت می‌کند:

الف) در جعالة عام همانند قرارداد مابه‌التفاوت، طرف ایجاب مشخص نیست (ماده ۵۶۴ ق.م.ا.).

ب) در جعالة معلوم بودن اجرت از همه جهات نیاز نیست؛ در یک سی‌اف‌دی هم تا زمان بسته شدن معامله، مبلغی که عاید طرف مقابل می‌شود یا از حساب او کسر می‌شود، مشخص نخواهد بود (ماده ۵۶۳ ق.م.ا.).

ج) در جعالة عمل هم می‌تواند مردد و دارای کیفیت نامعلوم باشد؛ چنان‌که در سی‌اف‌دی هم مشخص نیست عامل دقیقاً خرید یا فروش انجام می‌دهد و این مسئله و کیفیت آن به عهده خود معامله‌گر سی‌اف‌دی است. در واقع او یا ریسک خرید نوسان ارزش آن دارایی را بر عهده می‌گیرد یا ریسک فروش آن را، و این جهالت ناشی از مردد بودن در جعالة اشکالی ایجاد نمی‌کند (موسوی خویی، ۱۴۲۱: ۸۰/۵).

د) در جعالة تا زمانی که عمل به انجام نرسیده است، امکان فسخ وجود دارد و پس از انجام عمل، دیگر چنین امکانی وجود ندارد (ماده ۵۶۵ ق.م.ا.). در یک معامله سی‌اف‌دی هم تا قبل از باز شدن یک موقعیت خرید یا فروش، صاحب دارایی پایه می‌تواند از ارائه سی‌اف‌دی بر روی دارایی‌اش خودداری کند و بعد از آن چنین امکانی وجود ندارد.

به نظر می‌رسد تفسیر چنین معامله‌ای به جعالة مشکل باشد. چون بر خلاف جعالة معهود، این مالک است که اجرت را در مقابل عملی می‌پردازد، اما در اینجا آن کسی که پول پرداخت می‌کند، عامل است. حتی اگر آن طور که گذشت، سی‌اف‌دی کالا را این گونه تفسیر کنیم که حق بهره‌برداری از نوسان ارزش دارایی خود را به عنوان منفعت در مقابل بر عهده گرفتن ریسک تغییرات ارزش آن به عنوان عمل واگذار می‌کند، مشکل جعالة به لحاظ نظری تا حدی رفع می‌شود. اما چنین تفسیری همچنان خلاف ظاهر معامله و نیز تفاهم عرفی است. معامله‌کنندگان در سی‌اف‌دی و عرف عامه از این معامله، عقد جعالة را - آن هم به تفسیری که آمد، برداشت نمی‌کنند.

۴-۳. عقد احتمالی

عقد احتمالی، عقدی است که در آن سود و زیان طرفین و میزان آن، وابسته به حادثه محتمل در آینده است. بحث این عقد از کشورهای دیگر به حقوق ما وارد شده

است. در عقد احتمالی بر مبنای سیر طبیعی موضوع و احتمالات موجود، معامله منعقد می‌شود؛ در حالی که در قمار، گروبندی و عقد شانسی، همه چیز تابع اتفاق محض است و به جریان و سیر طبیعی اتفاقات نظر ندارد (پاک‌نیا، ۱۳۹۰: ۱). وقتی یک سی‌اف‌دی روی کالا منعقد می‌شود، ابتدا این شبهه به ذهن می‌آید که دو شخص خریدار و فروشنده هر کدام بر افزایش یا کاهش قیمت شرط بسته‌اند. در خصوص قمار در فقه گفته‌اند که وجه نامیدن قمار به این نام آن است که گرفتن ثروت دیگران با آن بدون مشقت و زحمت ممکن است (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۷۷/۴) و بازی است که در آن برد و باخت وجود داشته باشد (ایزدینا، ۱۳۷۴: ۳۳۶/۱۷). قمار قراردادی است که هر قمارکننده‌ای متعهد می‌شود که هر گاه بازی قمار را باخت، به قمارباز دیگر، مبلغی پول یا چیز دیگری را که بر آن توافق نموده‌اند، پرداخت نماید (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۲۹۷/۵). قمار بالاجماع حرام است و کتاب و سنت متواتر بر آن دلالت دارند (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۹: ۷۳۸/۳). ماده ۶۵۴ قانون مدنی نیز قمار و شرط‌بندی را باطل، و دعاوی راجع به آن را غیر مسموع دانسته است (برهانیان و نقیبی، ۱۳۸۶: ۱۲).

برای آنکه بدانیم وقتی یک قرارداد سی‌اف‌دی کالا منعقد می‌شود، یک عقد احتمالی واقع می‌گردد یا عقد قمار و گروبندی، باید ابتدا مفقودیت شروط تحقق قمار را احراز نماییم. در فقه امامیه، برای قمار سه حالت در نظر گرفته شده است:

حالت اول: با آلات و وسایل قمار شرط‌بندی انجام شود؛ مانند اینکه با تخته‌نرد یا ورق‌های بازی، روی برد و باخت شرط‌بندی انجام شود. این حالت به اجماع تمامی فقها مصداق کامل قمار و حرام است (موسوی خویی، ۱۴۱۲: ۵۷۱/۱؛ انصاری، بی‌تا: ۳۸۸/۱).

حالت دوم: بازی با آلات قمار بدون راهنه و شرط‌بندی؛ شیخ انصاری در صدق قمار بر این حالت تردید داشته و اینکه مجرد استعمال لفظ موجب تسری احکام نیست (انصاری، بی‌تا: ۳۷۲/۱). مشهور فقهای شیعه قائل به حرمت بازی با آلات قمار حتی بدون گروبندی بوده و حتی اعلام عدم وجود خلاف کرده‌اند (همان: ۲۷۱/۱). در این میان، برخی فقیهان نیز حکم به نجاست آلات مختصه قمار داده‌اند (حسینی روحانی، ۱۴۲۹: ۸۹/۲). در مقابل، عده‌ای هرچند بازی بدون راهنه با آلات قمار را مصداق قمار شمرده‌اند، لکن حرام دانستن آن را محل اشکال دانسته‌اند (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۲۱/۱۷).

حالت سوم: بازی با غیر آلات قمار همراه با راهنه و شرطبندی؛ همچون حالت اول نیز در مورد حرمت آن ادعای اجماع شده و از فقهای عامه نیز نقل شده است که آنان نیز بر همین رأی هستند. بر این اساس، شرطبندی و راهنه بر سر بازی‌ها و آلات غیر مختصه قمار نیز حرام بوده و مصداق قمار دانسته شده است (انصاری، بی‌تا: ۳۷۲/۱).

حالت چهارم: بازی با غیر آلات قمار بدون راهنه و شرطبندی؛ در این حالت، نه از آلات مختصه استفاده شده است و نه راهنه و شرطبندی وجود دارد. مشهور فقهای شیعه حکم به حرمت آن داده‌اند (همان: ۳۸۴/۱). با وجود این، برخی فقها در خصوص هر نوع مسابقه‌ای که خالی از غایت مفید است، حکم به عدم وجود جواز داده‌اند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۹: ۴۰۷/۹). دلیل دسته اخیر، وجود روایاتی است که هر نوع مسابقه را محدود به موارد مشخصی کرده و ماسوای آن را غیر مجاز اعلام کرده‌اند (همان: ۴۰۴/۹). چنان که ملاحظه می‌شود:

۱- قرارداد سی‌اف‌دی کالا، یک معامله تجاری و خرید و فروش واقعی است، اما نه معامله عین مادی، بلکه خرید و فروش ریسک افزایش و کاهش ارزش یک مال؛ معامله‌ای که علاوه بر نیاز به دانش و تخصص، به آشنایی با نحوه کار پلتفرم معاملاتی نیز نیاز دارد. بنابراین سی‌اف‌دی به هیچ عنوان یک بازی محسوب نمی‌شود، حتی اگر عده‌ای به قصد بازی و قمار و گروبنندی وارد آن شوند. بدیهی است که استفاده از این سامانه و سیستم نرم‌افزاری پلتفرم‌های مربوطه نظیر متاتریدر، از آلات قمار محسوب نمی‌شود. حتی در فرضی که گفته شود این آلات از این جهت ذکر شده‌اند که ابزار غالب گروبنندی در زمان تشریح این احکام بوده‌اند و ویژگی خاصی ندارند، بلکه هر وسیله‌ای که در طول ادوار تاریخ چنین شرایطی داشته باشد، آلات قمار محسوب می‌شود، باید گفت که باز هم شکل و ابزار معاملات سی‌اف‌دی نه تنها شباهت ماهیتی به آلات قمار ندارد، بلکه حتی چنین استعمالی هم در عرف عامه شاذ و نادر است.

۲- باید در این نکته اساسی تأمل کرد که در قرارداد مابه‌التفاوت روی کالا پس از بستن معامله، چه چیزی بین طرفین رد و بدل می‌شود؟ آنچه در زمان بستن معامله، برای یک طرف سود و برای طرف دیگر زیان محسوب می‌شود و از حساب یکی به دیگری منتقل می‌شود، چیزی جز افزایش یا کاهش واقعی ارزش دارایی پایه نیست و این امر

چیزی نیست که توسط طرفین مشخص و تعیین شده باشد؛ به این صورت که در صورت برد یا باخت مبلغی خارج از معامله و عین یا مبلغی از خارج به طرف دیگر پرداخت شود. هر آنچه از حساب هر یک از طرفین کسر یا به آن افزوده می‌شود، نوسان ارزش دارایی است نه خارج از آن.

۳- بر خلاف آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد، این تجارت میسر نبوده، بلکه اگرچه ممکن است مستلزم مشقت و تلاش مادی نباشد، اما متضمن کسب دانش و اطلاعات تخصصی و بازرگانی، صرف زمان و مدیریت ریسک است. بنابراین نتیجه یک معامله به هیچ عنوان منوط به اتفاق محض و بخت و اقبال نیست. از زمان آغاز یک معامله بر روی مابه‌التفاوت، عوامل بسیاری از جمله محاسبات دقیق ریاضی، دانش و عمل سایر معامله‌کنندگان، تبلیغات، تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ابعاد جهانی در تعیین روند نوسان ارزش مؤثر هستند که یک معامله‌گر باید بر تمامی آن‌ها واقف بوده تا بتواند به خوبی در این تجارت شرکت کند.

۴- حتی در فرض اینکه این تجارت برای عده‌ای بدون زحمت و مشقت منجر به سود و منفعت شود، این امر نمی‌تواند خللی به صحت و مشروعیت آن وارد آورد؛ زیرا اگر چنین باشد، تمامی خرید و فروش‌ها به امید تغییر قیمت دچار مشکل است. چه تفاوت می‌کند که معامله بر روی یک ملک یا سهام به منظور افزایش ارزش آن باشد یا معامله بر روی ارزش آن سهام یا دارایی؟ از طرف دیگر، از آنچه از کلام فقها بیان شد، برداشت می‌گردد که میسر بودن سود ناشی از قمار و گرویندی، علت صدور حکم بیان نشده تا در صورت وجود آن، حکم حرمت و بطلان لازم آید؛ بلکه فلسفه آن است و ما نصی دال بر علیت آن نداریم. بنابراین حکم دائرمدار فلسفه خود نبوده و تأثیری بر صحت و عدم صحت عقد نخواهد داشت.

۵- علاوه بر آنچه گفته شد، چنانچه بر فرض، حتی یکی از ایرادات بر این معامله وارد شود، برای رسیدن به نظر اجماعی فقها در بطلان معامله (یعنی حالت اول) نیاز به دو شرط لازم یعنی استفاده از آلات قمار و شرط‌بندی بر روی آن توأمان داریم که در فرض معامله مورد نظر ما، مردود است (انصاری، بی‌تا: ۳۷۲/۱).

۶- از آنچه پیش از این گفته شد، این طور استنباط می‌گردد که تفاوت عقد احتمالی

با قمار، مربوط به پایین تر بودن تأثیر عامل بخت و اقبال است. در واقع در هر دو، این عامل مؤثر است، اما در عقد احتمالی به حدی این تأثیر کم است که احتمال تحقق قصد طرفین به یقین نزدیک است، اگرچه قطعی نیست. به عبارت دیگر، اگر در قمار تحقق موضوع مورد نظر هر یک از طرفین ۵۰ درصد احتمال داشته باشد، در عقد احتمالی، موضوع مورد نظر هر دو طرف علاوه بر آنکه یکسان بوده، بین ۸۰ تا ۹۰ درصد احتمال وقوع دارد. بنابراین:

اولاً، در عقد احتمال بر خلاف قمار، مسئله برد و باخت وجود ندارد و هر دو طرف بر احتمال قوی وقوع موضوع واحدی توافق می کنند.

ثانیاً، احتمال عدم وقوع امر مورد نظر را کم می بینند.

در خصوص مشروعیت این عقد، شبهات و اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ اما حقوق دانان جوان با استدلال به تفاوت آن با قمار و عدم منع شارع، آن را مشروع و نافذ می دانند. در خصوص سی اف دی بر روی کالا باید گفت که به یک عقد احتمالی شباهت بسیاری دارد؛ زیرا شخص خریدار یا فروشنده به امید افزایش یا کاهش قیمت در آینده معامله می کند؛ در حالی که برد و باختی مطرح نبوده و با توجه به تحلیل ها و روند بازار مالی، احتمال تحقق قصد معامله گر قوی تشخیص داده می شود. همچنین بسیاری بر رواج عقد احتمالی در نظام حقوقی ما با عناوینی غیر از این نام مانند عقد بیمه نظر دارند (شیبانی تدرجی، ۱۳۸۹: ۵). اما تفسیر سی اف دی به یک عقد احتمالی که خود منشأ اختلاف نظر از جنبه مشروعیت است و در فقه ما هیچ سابقه ای ندارد، امری نادرست است. بنابراین برای اثبات قرارداد مابه التفاوت باید آن را در قالب یک عقد مشروع و بدیهی از منظر صحت تفسیر و توجیه نماییم.

۳-۵. عقد صلح

یکی از عقود معین بسیار پرکاربرد در فقه اسلامی و حقوق ایران، عقد صلح است که متأسفانه آن طور که بایسته است، از کاربردهای بی شمار آن در معاملات نوین استفاده نشده است. در خصوص پذیرش صحت و مشروعیت صلح ابتدایی در فقه ما مباحث گسترده ای مطرح بوده است. از دقت در سابقه این نظرات و تفصیل آن ها

می‌توان فهمید که شرطیت نزاع در تعاریف تعدادی از فقها از عقد صلح آمده است؛ به این صورت که صلح را عقدی می‌دانند که جهت رفع نزاع منعقد می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۶/۵؛ همو، ۱۳۸۷: ۷/۳؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۹: ۳۵/۹) و این تعاریف تا پیش از ارائه تعریف جدید توسط صاحب جوهر و شیخ انصاری بوده‌اند. شیخ انصاری حقیقت صلح را تسالم بیان می‌کند نه جلوگیری از تنازع، و بیان می‌دارد که موضوع صلح می‌تواند عین یا منفعت و یا حق باشد و مصادیق صلح را اعم از تملیک عین یا منفعت، انتقال و یا اسقاط حق و یا صلح تنازعات می‌داند (انصاری، بی‌تا: ۱۳/۲). صاحب جوهر پیش از شیخ انصاری تلویحاً در کلام خود چنین نظری را می‌پذیرد و عقد صلح را تراضی و تسالم بر روی یک موضوع می‌داند و برای مثال، رفع تنازع را قید می‌کند، نه آنکه وجود تنازع را شرط بداند و صلح را مختص حالت رفع تنازع بیان کند (نجفی، ۱۴۱۲: ۲۱۱/۲۶). قریب به اتفاق فقیهان شیعه بعد از شیخ انصاری تعریفی را برگزیده‌اند که از سخن گذشته شیخ اقتباس شده است. با اندک اختلافی در عبارت، جملگی صلح را تراضی و تسالم بر تملیک عین یا منفعت، یا اسقاط دین و حق و مانند این امور تعریف نموده‌اند (برای نمونه ر.ک: طباطبایی حکیم، بی‌تا: ۶۲/۱؛ آملی، ۱۴۱۳: ۸۳/۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵: ۳۲۶/۲).

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که قبل از تعریف شیخ انصاری، فقها عقد صلح را بر مبنای کاربرد اولیه یا کاربرد غالب تعریف نموده بودند و پس از ارائه تعریف جامع اختلاف و تعارضی فقها بر صحت صلح ابتدایی متمایل شده‌اند. مسئله اساسی و مهم در استفاده از قالب عقد صلح ابتدایی در معاملات جدید، بحث اصالت و فرعیت آن است. حال که صلح ابتدایی پذیرفته شد، باید دید که آیا هر عقدی را می‌توان در قالب صلح منعقد کرد یا باید یکی از عقود معین را بدون شرایط خاص آن عقد برگزید. این بحث تحت عنوان اصالت و فرعیت عقد صلح مورد بررسی قرار گرفته است. برخی فقها معتقدند که صلح عقدی مستقل است و در احکام و شرایط، تابع هیچ یک از عقود نمی‌باشد. از این رو مقررات و ضوابط خاص هر یک از عقود معین در عقد صلح جاری نیست؛ بر خلاف دیدگاهی که عقد صلح را فرع سایر عقود می‌داند، در این صورت این عقد در احکام و شرایط، تابع هر عقدی است که در نتیجه با آن

یکسان می‌باشد. پس اگر نتیجه عقد صلح، تملیک عین به عوض باشد، این عقد در احکام و شرایط تابع عقد بیع خواهد بود. اگر نتیجه آن تملیک منفعت باشد، تابع عقد اجاره می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، عقد صلح عقدی مستقل که قسم سایر عقود باشد نیست، بلکه عقدی است که زیرمجموعه عقود دیگر قرار می‌گیرد. اولین بار شیخ طوسی به این بحث در فقه شیعه پرداخته است و طبق روش خود ابتدا نظریه مخالف یعنی فرعیت عقد صلح را توضیح داده و سپس به صراحت نظر خود را که استقلال این عقد است، بیان می‌کند که نباید اشتباهاً برداشت شود نظر ایشان فرعیت بوده است^۱ (طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۲۸۹). فقهای دیگر نیز به تبع ایشان از این نظر تبعیت کرده‌اند (حسینی عاملی، ۱۳۳۳: ۵/۴۵۶؛ شریعت اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۴۵). تلفیق این مبانی با یکدیگر، جایگاه خاصی به عقد صلح در عقود معین و غیر معین برای طرفین عقد مهیا می‌کند. آنان از سویی می‌توانند برای پرهیز و فرار از احکام و شرایط خاص هر یک از عقود معین، ثمرهایی را که از آن عقد انتظار داشتند، تحت عنوان عقد صلح که دامنه آن همه عقود معین را می‌گیرد، محقق سازند و از سوی دیگر به وسیله عقد صلح می‌توان هر گونه قرارداد و معامله جدید و نوپدایی را که امکان اندراج آن تحت هیچ یک از عقود شناخته‌شده و معین نیست و با قوانین و قواعد کلی و آمره در معاملات منافات ندارد، منعقد ساخت.

این موقعیت ویژه، فراگیر و راهگشا برای عقد صلح، موجب شده است که برخی از صاحب‌نظران به این عقد، لقب «سید العقود و الأحکام» را ارزانی دارند (قزوینی زنجانی، ۱۳۷۲: ۱/۲۸). با این توجیه، برای انعقاد معاملات سی‌اف‌دی، دیگر نیازی به علم تفصیلی نداریم و علم اجمالی کفایت می‌کند (بحرانی، ۱۳۸۷: ۱۹/۲۶۹).

موارد بسیار معدودی از پذیرش نظریه فرعیت عقد صلح در فقه شیعه یافت می‌شود که مانند اهل سنت تنها در قالب یکی از عقود معین، عقد صلح را جاری می‌دانند (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۳۸۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۱/۹). با توجه به اینکه این مسئله ابتدا توسط شیخ طوسی مطرح شده و موافقان نیز به نظر ایشان استناد کرده‌اند،

۱. «ویقوی فی نفسی أن یكون هذا الصلح أصلاً قائماً بنفسه، ولا یكون فرع البیع فلا یحتاج إلى شروط البیع واعتبار خيار المجلس علی ما بیناه فیما مضی».

این گونه برداشت می‌شود که نظر این دو فقیه نیز ناشی از برداشت اشتباه از ترتیب و نحوه بیان ایشان در مبسوط باشد. بنابراین:

اولاً، جمهور فقیهان متأخر و معاصر شیعه با توجه به مبانی خود پیرامون عقد صلح، موقعیت ویژه‌ای را برای این عقد در نظر گرفته‌اند. آنان پیشینه خصومت و نزاع موجود و یا محتمل را در این عقد لازم نمی‌دانند و همین، سبب مشروعیت یافتن صلح ابتدایی در معاملات بدوی، که بدون هر گونه اختلاف و نزاعی میان طرفین عقد است، می‌شود (بحرانی، ۱۳۸۷: ۲۶۹/۱۹). چنان که ملاحظه می‌شود، هر نوع معامله‌ای را می‌توان در عقد صلح گنجانند (مواد ۷۵۲-۷۵۸ ق.م.ا)، بی‌آنکه نیاز به شرایط خاصی باشد. در عمل نیز جامعه و نیازهای آن، عقود جدیدی می‌طلبد که در صدر اسلام، هیچ زمینه‌ای از آن‌ها وجود نداشته است. در یک قرارداد مابه‌التفاوت، اگر صاحبان دارایی پایه متعلق عقد صلح را که انتقال حق مالکیت و بهره‌برداری از نوسان ارزش دارایی خود می‌باشد، به هر معامله‌گری که در زمان ارائه آن‌ها اقدام به خرید یا فروش کند، صلح نمایند، هیچ اشکالی بروز نمی‌کند و دلیلی بر بطلان چنین معامله‌ای وجود ندارد. از مباحث مفصل در خصوص عقد صلح و صلح ابتدایی می‌توان فهمید که هدف این عقد، حمایت از اصل آزادی قراردادها بوده است. در واقع برای مثال، اگر طرفین شکل خاصی از نقل و انتقال را بدون وجود احکام خاص بیع خواسته باشند، مجرای عقد صلح است؛ در غیر این صورت، چه فایده‌ای بر استقلال عقد صلح بار می‌شود؟ بدیهی است اگرچه شرایط خاص عقود معین در عقد صلح الزامی نیستند، اما شرایط اساسی صحت معاملات برای تمامی عقود از جمله عقد صلح لازم می‌باشند و عدم وجود آن‌ها موجب بطلان است.

ثانیاً، اگر سی‌اف‌دی را در قالب عقد صلح توصیف کنیم، ایراد جهل به ثمن هم مردود خواهد بود؛ زیرا دیگر یک عقد مغایبه‌ای نبوده و علم اجمالی کافی خواهد بود، اگرچه اکثریت فقها صرف جهل را مخل عقد ندانسته و جهل را در صورتی مؤثر می‌دانند که مستلزم غرر باشد که در سی‌اف‌دی کالا این امر منتفی است و این شبهه از اساس وارد نمی‌باشد (انصاری، بی‌تا: ۶۹/۱۱؛ نجفی، ۱۴۱۲: ۲۲/۲۸۸).

ثالثاً اینکه چه میزان از جهل مستلزم غرر می‌گردد و چه میزانی از علم (علم اجمالی)

کفایت کرده و رفع غرر می‌کند، باید گفت: بنا بر آنچه از کلام فقها فهمیده شد، در تمام موارد، منظور از غرر نوعی جهل است؛ اما این تفکیک عنوان نشان‌دهنده معنای متفاوتی است که باید آن را دریافت. به عبارت دیگر، اگر منظور از غرر همان جهل باشد، چرا از عنوان غرر استفاده شده است؟ شیخ انصاری در مکاسب، وجود و تحقق غرر شرعی را مستلزم وجود غرر عرفی نمی‌داند و برعکس. ایشان دایره غرر شرعی را تنگ‌تر از غرر عرفی می‌داند، اگرچه عده‌ای رابطه این دو را عموم و خصوص من وجه می‌دانند و در هر حال، همگی مصادیق این دو را متفاوت می‌دانند (انصاری، بی‌تا: ۲۵۲/۴). در بیع بنده فراری که به همراه ضمیمه واقع می‌شود و ایراد آن رفع می‌گردد، در حالی که از نظر عرفی، خطر و ریسک آن همچنان باقی است و برعکس در حالتی که یک مبیع از نظر اندازه و وزن مشخص است و ارزش مبیع دیگری بر اساس آنکه در نظر عرف، حدس قوی بر نبود اختلاف مهم وجود دارد، تخمین زده می‌شود، اگرچه غرر عرفی منتفی است، اما غرر شرعی وجود دارد و حکم به بطلان عقد به دلیل ابهام در مبیع داده می‌شود (مامقانی، بی‌تا: ۳۴۸/۳). بنابراین منظور از غرر، جهلی است که باعث ایجاد درجه‌ای از ریسک و خطر شود که شارع آن را اجازه نداده است و آن را ناقض یکی از شرایط مقرر برای عقد می‌داند.

در یک قرارداد مابه‌التفاوت، ابزاری به نام اهرم وجود دارد که می‌تواند مقدار سود و زیان را بیشتر از سرمایه واردشده در معامله تعیین نماید. در واقع ضریب اهرمی، تعیین‌کننده دامنه نفع و ضرر است؛ مثلاً اگر در یک معامله سی‌اف‌دی، ضریب اهرمی ۱۰۰/۱۰ باشد، بدین معناست که به ازای هر ۱ دلاری که وارد معامله می‌کند، ۱۰۰ دلار سود یا زیان خواهد داشت و مارجین یا همان مبلغی که باید در حساب خود برای ورود به معامله داشته باشد، بر اساس همین ضریب اهرمی مشخص می‌شود. بنابراین برای شرکت در معامله صد گرم طلا می‌توان حدوداً با ۱۰۰۰ دلار وارد معامله شد. پس حداکثر سود و ضرر می‌تواند ۱۰۰۰ دلار باشد که در واقع ثمنی است که در همان لحظه اول، پرداخت آن تضمین شده و اصطلاحاً به ودیعه نگه داشته شده است. عملاً مبلغ مارجین توسط کارگزاران محاسبه شده است و ضرر بیش از این میزان نخواهد بود، بنابراین حدوث غرر عملاً منتفی است. از طرف دیگر جهل موجود در این معامله،

جهل مطلق نیست؛ زیرا اجمالاً نسبت به سقف سود و ضرر علم وجود دارد و نتیجه معامله یکی از این دو حالت است:

الف) فروشنده یا خریدار تا سقف هزار دلار به دست می‌آورد.

ب) فروشنده یا خریدار تا سقف هزار دلار از دست می‌دهد.

درست است که هر یک از خریدار و فروشنده به اینکه کدام یک از این دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد، یقین ندارد، اما اجمالاً می‌داند که یکی از این دو حالت و با این محدوده اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، قدر مشترک این دو حالت، سقف هزار دلار است. علاوه بر این در پلتفرم مذکور، اختیاراتی از قبیل محدود کردن ضرر وجود دارد که بعد از تنظیم آن به صورت خودکار به محض رسیدن به حد خاصی از ضرر معامله بسته می‌شود. با این توصیف، این میزان جهل موجب غرر نیست. علاوه بر آنچه گفته شد، عدم آگاهی که به یکی از دو مورد وجود دارد که در واقع نوعی تردید و ریسک است، می‌تواند تحت تأثیر دانش و اطلاعات و تجربه معامله‌گر تا حد زیادی کاهش یابد و چه بسا در بسیاری موارد، علم به اتفاق یکی از آن‌ها بر مبنای تحلیل‌های تکنیکال و محاسبات ریاضی وجود داشته باشد. ممکن است گفته شود که با این توضیح، اگر شخصی دارای دانش و اطلاعات کافی نباشد، صحت معامله دچار اشکال می‌شود. در پاسخ باید گفت همین که امکان رفع غرر از طریق کسب دانش یا کسب مشاوره از افراد دارای تخصص برای متعاقدين وجود دارد، کافی است؛ مانند بسیاری از معاملات دنیای امروز که نیازمند تخصص و دانش بسیار هستند. اگر غیر از این باشد، تمامی معاملات بازار ارز، سهام شرکت‌ها، ملک و... نیازمند اطلاعاتی هستند که ممکن است نسبت به افراد مختلف جامعه، دشوار یا آسان تلقی گردد؛ در حالی که تخصصی بودن، خدشه‌ای به صحت آن‌ها وارد نمی‌آورد. بنابراین در هر صورت با تفسیر قرارداد سی‌اف‌دی روی کالا در قالب عقد صلح، هیچ اشکالی بروز نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

۱. قرارداد سی‌اف‌دی کالا، معامله روی نوسان ارزش دارایی بدون انتقال دارایی پایه است که به دلیل مزایای بسیار آن از قبیل اهرم، مارجین، کارمزد پایین، و امکان انجام

آن از هر نقطه جهان توسط یک سکوی معاملاتی، در شرایط حاضر می‌تواند یک منبع درآمد دلاری برای تمام اقشار، خصوصاً جوانان و زنان با هر میزان درآمد باشد؛ زیرا این تجارت بیش از سرمایه، به دانش احتیاج دارد.

۲. شرایط اساسی صحت معاملات در قرارداد سی‌اف‌دی به دلیل شکل انجام آن، که روی یک پلتفرم معاملاتی است، در برخی موارد دارای شکل خاصی است؛ بدین معنا که نحوه احراز وجود این شرایط دارای شیوه متفاوتی است، وگرنه از حیث وجود این شرایط، تفاوتی با سایر عقود ندارد.

۳. شبهه قماری بودن به قرارداد مابه‌التفاوت وارد نیست؛ زیرا هیچ‌یک از شرایط تحقق قمار، بنا بر آنچه در فقه شیعه آمده، از قبیل استفاده از آلات قمار، شرط‌بندی و میسر بودن در سی‌اف‌دی وارد نیست و بر خلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، عامل بخت و اقبال هیچ نقشی در این معامله ندارد، بلکه عوامل بسیاری که اکثر آن‌ها قابل پیش‌بینی و علمی هستند، مسیر معامله را تعیین می‌نمایند.

۴. ماهیت و ویژگی‌های قرارداد سی‌اف‌دی کالا با هیچ‌یک از عقود معین سازگار نبوده و نمی‌تواند تحت عناوین بیع حق، اجاره، جعاله و عقد احتمالی قرار گیرد. اما با توجه به ویژگی‌های عقد صلح و امکانی که شارع مقدس برای انعقاد قراردادهای جدید در اختیار متشرعان قرار داده است، امکان انعقاد قرارداد مابه‌التفاوت در قالب عقد صلح را فراهم می‌نماید. علاوه بر آن، بنا بر آنچه گذشت، هیچ مانع شرعی و شبهه‌ای بر این معامله وارد نمی‌باشد. بدیهی است که اگر هر یک از شبهات مورد بحث، وارد تشخیص داده می‌شد، انعقاد آن در قالب عقد صلح و هیچ عقد دیگری ممکن نبود؛ اما با توجه به پاسخ‌های داده‌شده به شبهات و مشروع دانستن این معامله، قالب حقوقی صلح ماهیت مناسب آن خواهد بود.

۵. با توجه به پاسخ‌ها و مستندات شرعی مذکور در این پژوهش، قرارداد مابه‌التفاوت روی کالا کاملاً با نظام حقوقی ما قابل انطباق است؛ اما با توجه به خلأ قانونی، امکان سوءاستفاده افراد سودجو وجود دارد و ممکن است احقاق حقوق افراد و پیگیری مطالبات را با مانع روبه‌رو سازد. بنابراین باید هر چه سریع‌تر نسبت به تصویب مواد قانونی لازم اقدام شود.

کتاب‌شناسی

۱. آملی، محمدتقی، *المکاسب و البیوع*، تقریر مباحث محمدحسین غروی نائینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۵ ق.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران، المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، بی‌تا.
۴. انصاری، مرتضی بن محمدامین، *کتاب المکاسب*، چاپ دوم، قم، لجنة تراث الشیخ الاعظم، بی‌تا.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، ترجمه محمدتقی ایروانی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۶. برهانیان، عبدالحسین، و سیدابوالقاسم نقیبی، *بررسی مبانی بیمه در اسلام*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۷. پاک‌نیا، بابک، *تحلیل ماهیت عقود احتمالی در حقوق ایران و کامن‌لا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰ ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، چاپ سوم، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۴۰۳ ق.
۹. حسین‌زاده، جواد، «بررسی حقوقی ساختار و اعتبار قرارداد آتی یکسان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۱۰. حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، *منهاج الفقاهة (التعلیق علی مکاسب الشیخ الاعظم)*، چاپ پنجم، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. حسینی سیستانی، سیدعلی، *منهاج الصالحین*، قم، دفتر آیه‌الله سیستانی، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد بن محمد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۳۳ ق.
۱۳. حکیم، سید عبدالصاحب، *حقائق الاصول*، چاپ پنجم، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، *ترجمه و شرح مکاسب شیخ انصاری*، قم، حاذق، ۱۳۶۹ ش.
۱۵. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، *کفایة الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۶. سرمدی، محمدرضا، *فرهنگ لغات و اصطلاحات رایج ارز و سهام در بازار فارس*، تهران، نوآور، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. شریعت اصفهانی، فتح‌الله بن محمدجواد، *نخبة الازهار فی احکام الخیار*، تقریر محمدحسین سبحانی، قم، دار الکتاب، ۱۳۹۸ ق.
۱۸. شریعتی، سعید، «بیع زمانی یا مالکیت زمان بندی شده»، *ماهنامه قضاوت*، سال ششم، شماره ۴۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶ ش.
۱۹. شبانی تدرجی، سمیه، *مطالعه تطبیقی عقود احتمالی در حقوق ایران و مصر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ ش.
۲۱. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، *ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

۲۲. طباطبایی حکیم، سیدمحسن، نهج الفقاهة (تعليق على كتاب البيع من مكاسب الشيخ الاعظم الانصاري). قم، ۲۲ بهمن، بی تا.
۲۳. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم بن عبدالعظیم، العروة الوثقی (مسألة ۳)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. همو، حاشیة المكاسب، چاپ افست، قم، بی تا، بی تا.
۲۵. همو، حاشیة المكاسب، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ دوم، ترجمه و تصحیح سیدمحمدتقی کشفی، تهران، المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ش.
۲۸. همو، تهذیب الاحکام، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. علامه حلی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۷ ش.
۳۰. همو، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. همو، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق. (الف)
۳۲. همو، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق. (ب)
۳۳. غروی اصفهانی، محمدحسین، الاجاره، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. قزوینی زنجانی، علی بن محمد، صیغ العقود، چاپ سنگی، قم، شکوری، ۱۳۷۲ ش.
۳۵. قطب‌الدین راوندی، ابوالحسین سعید بن هبة‌الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۳۶. مامقانی، محمدحسن، غایة الآمال فی شرح کتاب المكاسب، قم، مجمع الذخائر الاسلامی، بی تا.
۳۷. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۳۸. معصومی نیا، غلامعلی، «بررسی فقهی ابزارهای مشتقه»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ش.
۳۹. معصومی نیا، غلامعلی، میثم فدایی واحد، و سیدحمیدرضا صائمین، «بررسی فقهی قرارداد آتی، احکام و آثار آن بر مبنای فقه امامیه»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۴ ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهة (کتاب البيع)، چاپ دوم، قم، انتشارات امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البيع، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۱ ق.
۴۲. موسوی خمینی، سیدمصطفی، البيع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق.
۴۳. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، المستشفی (شرح العروة الوثقی)، تقریر شیخ مرتضی بروجردی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۱ ق.
۴۴. همو، مصباح الاصول، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۲ ق.
۴۵. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ بیست و چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.

47. Elder, Alexander, *The New Trading for a Living: Psychology, Discipline, Trading Tools and Systems, Risk Control, Trade Management*, New Jersey, Hoboken, John Wiley & Sons, 2014.
48. Jessen, Jeff & Ashley Cartridge, *CFDs Made Simple: A Beginner's Guide to Contracts for Difference Success*, Australia, John Wiley & Sons, 2011.
49. Land, David, *CFDs For Dummies*, Australian Edition, Australia, John Wiley & Sons, 2017.
50. Norman, David James, *The Definitive Guide to Contracts for Difference*, United Kingdom, Harriman House, Hampshire, 2010.

